

دستگیری‌های گسترده در ارتش

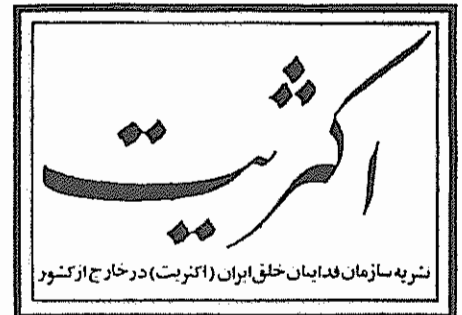
دریایی احترام کرد. وی ضمن تایید بازداشت تعدادی از افسران نیروی دریایی گفت: «اینها به سزای اعمال خود رسیده و خواهند رسید.»

گزارشها از وقوع دستگیری‌های گسترده در میان افسران ارتش خبر می‌دهند. اما هنوز بجز سخنرانی هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه از سوی جمهوری اسلامی اطلاعات دیگری منتشر نشده است. یخش زیادی از سخنرانی رفسنجانی نیز به پرونده سازی‌ها و اتهام‌زنی‌های سنتی جمهوری اسلامی در این گونه موارد اختصاص داشت.

برخی خبرگزاری‌ها از دستگیری تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران و اعدام برخی از آنان خبر داده‌اند. در مورد چندی چون این خبر، اطلاعات بیشتری دریافت نشده است.

به دنبال پخش اخباری مبنی بر اعدام چند تن از افسران نیروی دریایی در سطح تهران، هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه روز اول اردیبهشت اعلام کرد یک شبکه نظامی که در نیروی هوایی، دریایی و... نفوذ کرده بودند کشف شده است. رفسنجانی بازداشت شدگان را جاسوس آمریکا خواند و افزود این شبکه در سراسر کشور به فعالیت علیه رژیم مشغول بوده است.

رفسنجانی به روال معمول در جمهوری اسلامی به جنایت اعدام گروهی از افسران نیروی



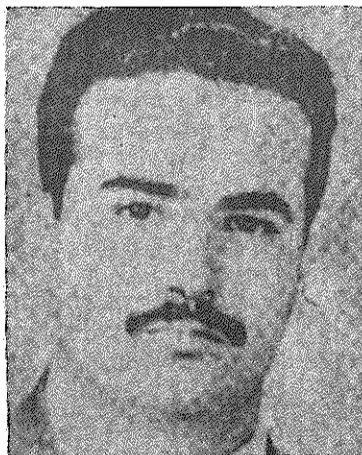
نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۸ برابر ۲۴ آوریل ۱۹۸۹
ماه ۶۰ریال سال ششم شماره ۲۵۴

نمایش برای تغییر قانون اساسی: جنگ قدرت پیش از مرگ خمینی

در صفحه ۳

بیژن و هم‌زمان جاودانگان جنبش انقلابی ایران



۳۰ فروردین برای همه ما با ناگوارترین خاطره‌ها هموار است. خاطره کشتار رهبران بزرگ فدائیان به دست رژیم جنایتکار شاه.

۱۴ سال پیش در روز ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ فدائیان خلق، رفقا بیژن جزینی، حسن ضیاءظریفی، محمد چوپانزاده، عباس سورکی، مشعوف (سعید) کلانتری، عزیز سمدی، احمد جلیل افشار و همچنین دو تن از مجاهدین خلق: کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل، در تپه‌های اوین هدف رگبار گلوله‌های جلادان شاه قرار گرفتند.

شروب همان روز، روزنامه‌های عصر، خبر این جنایت را با عنوان کشته شدن ۹ تن از زندانیان در حین فرار، درج کردند. اطلاعاتی که ساواک در روزنامه‌ها اینگونه به چاپ رساند که ۹ تن از زندانیان به هنگام نقل مکان از اتوبوس بقیه در صفحه ۵

کارشکنی عراق مذاکرات صلح را به بن بست کشاند

۵ ماه بعد از برگزاری دور سوم مذاکرات صلح میان ایران و عراق، سرانجام دور چهارم مذاکرات مستقیم وزرای خارجه دو کشور در بعدازظهر پنجشنبه ۳۱ فروردین ماه در مقر اروپائی سازمان ملل متحد در ژنو آغاز شد. تدارک این دیدار از چهار هفته پیش با وساطت شخص دبیرکل سازمان ملل صورت گرفت، تصمیم به آغاز دور جدید مذاکرات در شرایطی صورت گرفت که هر دو کشور یکدیگر را متمم به کارشکنی در روند مذاکرات و نقض مواز داتش‌پس می‌نمودند.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایط بحرانی شدید اقتصادی - اجتماعی و اختلالات حاد حکومتی در دور چهارم مذاکرات شرکت می‌کند. برکناری منتظری توسط خمینی و تصفیه عناصر وابسته به وی در ارگانهای حکومتی، بقیه در صفحه ۲

در این شماره

تهران در نخستین روزهای بهار

در صفحه ۶

پای لرزان طرح بودجه جرج بوش

در صفحه ۹

۱۵ سال از انقلاب پرتقال گذشت

در صفحه ۱۰

اعتصاب غذای زندانیان

”فراکسیون ارتش سرخ“

در صفحه ۱۰

”بازار آزاد دولتی“: مبارزه قاطع با گرانفروشی!

هنوز حتی روز اجرای قانون فرانسوی شده بود که دولت گوشه‌ای از صحنه پر گرد و خاک این ”مبارزه قاطع“ را آشکار کرد: فروش کالای دولتی به قیمتی کمی کمتر از قیمت‌های بازار آزاد. بقول یکی از هم‌میهن‌انمان که حرف‌هایش در گزارش روزنامه کیهان منعکس است: ”مبارزه با گرانفروشی یعنی پیوستن دولت به بازار آزاد.“

کیهان ۲۱ فروردین این در حالی بود که فقط چند روز قبل از این نخست‌وزیر در جلسه هیات دولت اعلام کرده بود که در سال جاری سیاست دولت تامین کالا و تثبیت قیمت‌هاست. و البته از آنجا که او خوب می‌داند در کشور چه می‌گذرد فراموش نکرده بود اضافه کند که هر دستگامی که قیمت کالا یا خدمات خود را افزایش دهد باید دلایل کار خود را بقیه در صفحه ۳

مچنانکه در شماره ۲۵۱ نشریه ”اکثریت“ اطلاع دادیم قانون تعزیرات حکومتی ”پس از بحث‌های مغلص چندین ماهه در جلسات هفتگی مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی“ در بیست و سوم اسفند سال گذشته به تصویب رسید و جهت اجرا به توه قضائیه و دولت ابلاغ شد. مطابق معمول باز هم دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم بکار افتادند و بامداد گرفتن از این بلندگوی مجلس و آن بلندگوی نماز جمعه در اعلام این قانون به عنوان اقدامی قاطع در مبارزه با گرانفروشی و احتکار از چیزی فروگذار نکردند. خط و نشانها کشیده شد، مصاحبه‌ها صورت گرفت، ستادهای مرکزی و غیر مرکزی ایجاد و اختیارات تفویض شدند اما در روز اجرای قانون نه نرخ رسمی کالایی اعلام شد، نه بازرسینی تعیین شد و صد البته نه قیمتی پایین آمد.

کارشکنی عراق مذاکرات صلح را به بن بست کشاند

بقیه از صفحه ۱

ماکی از خوی تجاوزگرانه حاکمان بغداد دارد.

لازم به یادآوری است طبق گزارش مقامات سازمان ملل از هنگام برقراری آتش‌بس در مرزهای ایران و عراق تا روز دوم ژانویه ۸۸ برابر با ۱۲ دی ماه ۶۷، ۱۹۶ مورد نقض آتش‌بس وجود داشته که منجر به کشته شدن حداقل ۱۰ سرباز ایرانی شده است.

با توجه به چنین حساسیتی از اوضاع، بعد از نشستهای مقدماتی دبیر کل سازمان ملل با هیاتهای نمایندگی دو کشور شخص دبیر کل طی بیانیهای ضمن اعلام زمان برگزاری مذاکرات مستقیم وزرای خارجه ایران و عراق خواستار شد که طرفین مذاکره برای ایجاد فضای مناسب گفتگوها از خود نهایت خویشتنداری و حسن نیت را نشان داده و از اقدامات تحریک‌آمیز جلوگیری نمایند.

ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی قبل از ترک تهران به مقصد ژنو گفته بود که بن بست مذاکرات تنها وقتی شکسته خواهد شد که عراق ماده اول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل مبنی بر عقب نشینی کلیه نیروها به پشت مرزهای شناخته شده بین‌المللی را هرچه زودتر اجرا کند.

طارق عزیز نیز در بغداد اعلام کرد که جمهوری اسلامی حامل بن بست در مذاکرات است و با مطرح کردن بهانه‌های مختلف و با وقت‌کشی متوسل گردیده و فاقد صداقت و حسن نیت می‌باشد. وی همچنین در ادامه سیاستهای تجاوزگرانه حکام بغداد اظهار کرد که اگر اوضاع به همین منوال ادامه یابد، ممکن است مذاکرات با شکست کامل روبرو شود. نزار حمدون معاون وزارت خارجه عراق نیز گفته بود که بازگشت به مفاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و برقراری حاکمیت دوگانه ایران و عراق بر او نروند و «بسط‌العرب» می‌تواند آتش جنگی دیگر را برانگیزد.

باتوجه به ابراز بدبینی‌های طرفین مذاکره و برخی محافل در رابطه با پیشرفت روند مذاکرات صلح، آقای دوکوئیاری که

روز سه‌شنبه وارد ژنو شده بود به خبرنگاران گفت: هنوز شکاف بین ایران و عراق بسیار عمیق است ولی باید به تلاش برای ادامه روند آرمش

بقیه در صفحه ۹

تلاش برای تغییر قانون اساسی:

جنگ قدرت پیش از مرگ خمینی

روز دوشنبه ۲۸ فروردین شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی طی نامه‌ای به خمینی از وی خواست تا در صورت صلاحدید، هیاتی را برای تدوین متمم ویا اصلاحیه قانون اساسی تعیین کند. روز قبل از آن نیز ۱۶۶ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای از خمینی همین تقاضا را مطرح کردند.

در این نامه ذکر شده است که بعضی از اصول قانون اساسی در خصوص رهبری، قوای مجریه، قوای مقننه و قضائیه احتیاج به متمم و اصلاحیه دارد. در نامه نمایندگان مجلس ذکر شده است که بدون اصلاح برخی از فصول و اصول قانون اساسی "اداره کشور با مشکلات جدی مواجه خواهد بود؟" هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه روز اول اردیبهشت خود بر این مضمون تکیه کرد که تا خمینی زنده است باید مشکل رهبری حل شود و اگر ولایت فقیه نباشد نمی‌توانیم تصور کنیم که چگونه این کار را بکنیم."

از اندکی پس از پذیرش قطعنامه صلح زرمه تغییر قانون اساسی در محافل حکومتی آغاز شد. آن زمان تاکید بیشتر بر تغییر موادی از قانون اساسی که به نهادهای قوه مجریه و نیز اختیارات شورای نگهبان مربوط بود تاکید می‌شد. اینک با کنار گذاشته شدن منتظری مساله حیاتی و میرم حول امر تعیین جانشین خمینی متمرکز شده است و آنچنان مبرم که حتی خمینی آینده نظام جمهوری اسلامی را بدون آن تاریخ ارزیابی کرده است.

دسته‌بندی و تشتت، تمام تار و پود حکومت را فراگرفته است. گرگهای حکومتی دایره وار بر قلعه نشسته همدیگر را می‌پایند. کفایت یکی چشم برهم نهد، و بویژه گرگ بزرگ بی‌جان شود، تا دریدن‌ها با سعیت تمام شروع شود. آنها خود بر این امر واقفند. از این رو به تکاپو افتاده‌اند تا قبل از مرگ خمینی در حد امکان مساله جانشینی وی را "حل" کنند و این خود به مهمترین کانون تمرکز جدال‌های حکومتیان تبدیل شده است. از خمینی خواسته شده است و یا بهتر بگوییم خمینی

خواستار است که از او بخواهند تا جمعی را برای تدوین متمم قانون اساسی تعیین کند. این بدین معناست که ترکیب مجلس خبرگان بگونه‌ای است که مورد پسند خمینی و نیروهایی که در این مقطع مورد حمایتش هستند قرار ندارد. رفسنجانی در این زمینه در نماز جمعه روز اول اردیبهشت گفته است: "جمعی باید تعیین شود. مجلس خبرگان اول مال قانون اساسی بود، مجلس خبرگان فعلی برای تعیین رهبری بود. لذا وظیفه آن این نیست باید اگر امام اجازه دهند جمعی تعیین شود."

اکنون در جمهوری اسلامی هیچ فردی دارای شرایطی نیست که به عنوان ولی فقیه آینده و جانشین خمینی تعیین شود. به همین دلیل پس از تصمیم خمینی به برکناری منتظری، تعیین یک شورای رهبری در دستور قرار گرفته است. ترکیب این شورا مستقیماً به نحوه تعیین هیات منتخب برای بررسی تغییر قانون اساسی مربوط می‌شود. دیگر هر صدهای طرح شده برای تغییر قانون اساسی نیز به طور بارزی با وظیفه حل مسئله جانشینی در ارتباط است. در زمینه تغییر برخی اصول قانون اساسی "در باب قوه مجریه" مهمترین هدفی که اعلام شده افزایش اختیارات رئیس جمهور است. این افزایش حتی تا حد حذف پست نخست‌وزیری پیشنهاد شده است.

هاشمی رفسنجانی که از سوی "جامعه روحانیون مبارز" و همچنین "روحانیت مبارز" کاندیدای پست ریاست جمهوری شده است، بر انجام این تغییرات برای به چنگ آوردن اهرم‌های بیشتر قدرت تاکید دارد. او می‌داند که انجام این تغییرات در شرایط مرگ خمینی برای یک‌تاز شدن او در جنگ قدرت اهمیت کلیدی دارد. اهمیت این مساله با بذل توجه به اصل ناتوان بودن ارگان‌های تصمیم‌گیرنده شورایی در جمهوری اسلامی ملموس‌تر درک خواهد شد. بویژه اگر این شورا آخوندهایی با بالاترین رتبه مذهبی و سیاسی و با بالاترین حد اختلاف منافع و نظرگاه و دسته‌بندی را شامل شود.

“بازار آزاد دولتی” مبارزه قاطع با گرانفروشی!

بقیه از صفحه ۱

بطور مستقیم با مردم در میان بگذارد. طبعاً اگر اقدام دولت برای رسمیت بخشیدن به تیمتجای آزاد و سرکسسه کردن دولتی مردم، مبارزه با گرانفروشی، و افزایش قیمت کالاها را دولتی کوشش دولت برای شکستن قیمت‌ها قلمداد شوند و دلیل بحساب آیند، سایر “دلایل” نیز بهمین قدر محکمه پسند خواهند بود. و برای دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به جرائم پیش‌بینی شده در قانون رسیدگی می‌کنند همین کفایت خواهد کرد.

هم ندارند و هدهای هم گفته‌اند: “ما هم همین قانون را می‌خواستیم.” اینها همه در حالی است که موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور اعلام میدارد که این قانون اگر پیگیرانه دنبال شود ۲۰ درصد مساله را حل می‌کند. صرف‌نظر از اینکه همین حرف هم خیال و دورقی بیشتر نیست، اما می‌توان این نتیجه را گرفت که مسئولین رژیم رسمیت بخشیدن به قیمت در ۸۰ درصد قیمت‌های انفجاری کنونی را هدف قرار داده‌اند.

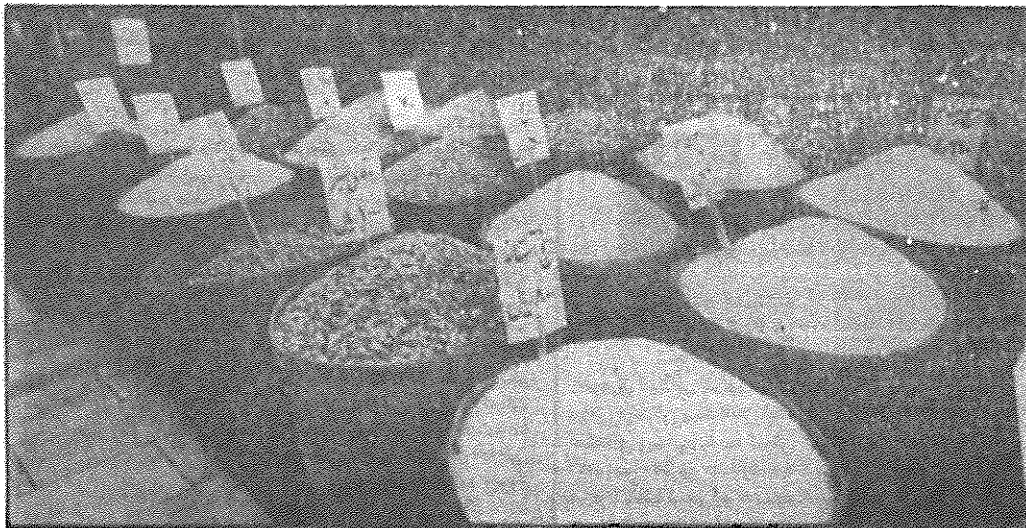
می‌کند قانونی تصویب می‌کند که طبق آن تنها خرده‌پاها هدف قرار می‌گیرند.

پیش از پاسخ به سوال، نگاهی هم به “تعمیرات حکومتی” از زاویه درگیریهای جناح‌های حکومتی بیاندازیم. این قانونی است که پیش‌برد و اجرا آن قبلاً به دولت واگذار شده بود و دولت موسوی به اتکا به آن کوشیده بود طرفداران بازار و مخالفین کنترل دولتی بر امر توزیع و قیمت‌گذاری در حکومت را تحت فشار قرار دهد. پس از متوقف شدن قانون تعمیرات حکومتی تدوین مجدد آن به

در نظام جمهوری اسلامی روال همیشگی و ثابت این بوده است که هر ارگان و جمعی که برای کنترل و مهار بحران و تشتت در ارگان دیگری پیش‌بینی و ایجاد شده خود به کانون بحران جدیدی تبدیل شده است. برای کنترل مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان پیش‌بینی شده است. برای کنترل شورای نگهبان و خودسری‌های آن کنترل متقابل توسط مجلس با اتکا به احکام ثانویه مطرح شد. با چاره‌ساز نشدن آن، طرح شورای مصلحت نظام برای تضعیف و مهار شورای نگهبان پدید آمد اما خود، بحران تداخل مسئولیت‌ها و وظایف را پدید آورد. به دنبال شورای مصلحت نظام جلسات مسئولین سه توه به همراه برخی از مسئولین اجرایی، طراحی شد و به اجرا درآمد و اگر هم برای رژیم باقی باشد توالی این ارگان‌های کنترل‌کننده یکدیگر همچنان وجود خواهد داشت. شورای کذایی رهبری که قرار است در قیاب خمینی بطور جمعی نقش ولایت فقیه را ایفا کند نیز به همان سرنوشت شورای مصلحت نظام دچار خواهد شد. با این تاکید که تاثیر در زیر خاک بودن خمینی نسبت به حضور فضا بود او. بر فراز چهاران در مملکت اعضا این شور تفاوت کینی خواهد داشت. با اتکا به شواهد بالاست که از هم

اکنون چنگ اندازی و برنامه‌ریزی برای تصاحب ارگان‌های اجرایی و اهرم‌های قدرت باشد در جریان است. ماشینی رفسنجانی برای تصاحب پست ریاست جمهوری با اختیارات وسیع‌تر برنامه‌ریزی می‌کند، دارو دسته سید احمد خمینی‌ها و... تعیین عبدالله نوری به عنوان نماینده خمینی در سپاه پاسداران می‌کوشند سپاه را از چنگ رفسنجانی به در آورند. محتشمی برای پست نخست‌وزیری پیشنهاد می‌شود، سیداحمد می‌کوشد به طریقی پس از مرگ خمینی موقعیتی موروثی بیابد...

اما همه این درگیری‌ها و جنگ و جدال‌ها قبل از هر چیز بحران همیتی را که کلیت رژیم با آن دست به گریبان است بازتاب می‌دهد. این حد بحران و از هم گسیختگی حکومت ضد مردمی فتها قطعا روندی را، خلاف آنچه که سردمداران رژیم برای آینده خود آرزو دارند تحقق خواهد بخشید.



“مجمع تشخیص مصلحت” سپرده شد که اکنون پس از بررسی و بحث‌های مفصل در جلسات متعدد آن را تصویب کرده است. این امر آئینه‌ایست که در آن کیفیت تشخیص مصلحت نظام توسط مجمع مذکور درگیریهای درونی این مجمع و درون حاکمیت بطور کلی بازتاب می‌یابد. خود این مساله که هلیرقم فتوای خمینی دایر بر اینکه “تعمیرات حکومتی” از اختیارات دولت اسلامی است، تنظیم و تصویب این قانون به مجمع سپرده شود، خود گویای سمت و سوی آن است. خود نشانگر مصون بودن آن تشکل مافیایی در مقابل این قانون است.

هم از اینجاست که مردم، پاسخ سوال بالا را در اظهاراتشان چنین می‌دهند: “دولت گرانفروش اول است.” ص ۵، کیهان ۱۹ فروردین آری پاسخ جز این نیست که آن تشکل شبه‌مافیایی خود مجمع مصلحت نظام است، خود دولت جمهوری اسلامی است، خود رژیم اسلامی است.

در مقاله‌ای در کیهان با این ادعا که می‌خواهد “نگاهی متفاوت به گرانی بیاندازد” اظهار شده است: نوع و شتاب سرمایه‌اندوزی کاسبها و سرمایه‌دارهای ماحتی با قوانین سرمایه‌داری آمریکا هم نه تنها جرم بلکه جنایت محسوب شود. در ردیابی عاملین اساسی گرانی فراتر از کشف یک تشکل نمی‌رود: “... یک تشکل شبه‌مافیایی که همه چیز می‌خرند و می‌فروشند، از سردخانه و کارخانه و مجتمع کشت و صنعت و اطلاعات اقتصادی، سیاسی و نظامی و محرمانه تا...” کیهان ۲۲ فروردین ۶۸ سرمایه‌داری آمریکا که تشکل‌هایش نه شبه‌مافیایی است بلکه همین مافیایی است “نوع و شتاب سرمایه‌اندوزی کاسب‌ها و سرمایه‌دارهای ما را جنایت محسوب می‌کند”، پس چگونه است که “مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی” در حق تشکلی که حتی اطلاعات سیاسی و نظامی محرمانه را هم خرید و فروش

نگاهی به نحوه قیمت‌گذاری کالاها توسط وزارت بازرگانی نیز هر چه روشن‌تر می‌سازد که ایجاد “بازار آزاد دولتی” تثبیت قیمت‌های آزاد “هناوین شایسته‌ای هستند که مردم ما به این مبارزه” داده‌اند. نصب برچسب قیمت بر روی کالاها اجباری اعلام شده است؛ واقعا هم برچسب قیمت بر روی کالاها نصب شده است، اما کدام قیمت؟ همان قیمتی که قرار است با آن مبارزه شود. وزارت بازرگانی در صدد است که صرف‌نظر از بعضی از کالاها که اقلبشان توسط دولت تامین و توزیع می‌شوند، فاکتور خرید و سود متعارف را مبنای قیمت‌گذاری سایر کالاها قرار دهد. گویا فقدان فاکتور خرید بوده است که تا حال حاضر امکان اساسی را برای انباشت بی‌سابقه ثروت و سرمایه‌تجار بزرگ فراهم می‌آورده است. بی‌سبب نیست که هدهای از تجار از هم اکنون متعززانه اعلام کرده‌اند که کالاهایشان را به فلان و بهمان قیمت گزاف خریده‌اند و فاکتور

بازگشت سفیر حکومت اسلامی به پرتغال

در پی هادی شدن مناسبات دیپلماتیک کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا و حکومت اسلامی، جانبخش مظفری سفیر جمهوری اسلامی در پرتغال از اوائل هفته گذشته به لیسبون پایتخت این کشور بازگشت. همچنین در تهران اعلام گردید "ترومن" کاردار آلمان غربی در تهران روز هجده فروردین برای ادامه فعالیت در سفارت این کشور به تهران بازگشته است. بعد از اعلام بازگشت سفرای کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا تنها فرانسه است که هنوز سفیر خود را به تهران اعزام نکرده است.

محمد جواد لاریجانی دستگیر شد

بر اساس گزارش برخی محافل و خبرگزاریها "محمد جواد لاریجانی معاون پیشین وزارت امور خارجه حکومت اسلامی در امور اروپا و آمریکا که چهار هفته پیش استعفا داده بود بجرم جاسوسی برای انگلستان بازداشت گردیده است.

"باختران" کرمانشاه باقی ماند

در پی اعتراضات متعدد مردم شهر کرمانشاه نسبت به تغییر نام این شهر به باختران، خامنه‌ای که چندی پیش از کرمانشاه بازدید می‌کرد مجبور شد در اجتماع جمعی از مردم این شهر اعلام نماید که از این پس مردم می‌توانند به جای نام "باختران"، نام قدیمی این شهر یعنی کرمانشاه را نیز بکار ببرند و ادارات دولتی نیز می‌توانند هم نام باختران و هم نام کرمانشاه را در مکاتبات دولتی استفاده نمایند. وی در سخنان خود گفت:

نام کرمانشاه به هیچ وجه در ارتباط با خاندان پهلوی نبوده و نام این شهر قدیمی از دوران ساسانی گرفته شده است... و نباید گذاشت برخی افراد سودجو احساسات مردم را در جهت پیشبرد مقاصد خود تحریک نمایند.

تحویل هلی کوپتر به حزب الله لبنان

روزنامه "کل العرب" و یک روزنامه دیگر لبنانی اعلام کردند که سازمان حزب الله لبنان توسط جمهوری اسلامی به چهار هلی کوپتر ساخت چین مجهز شده است. هزینه خرید این هلی کوپترها را حکومت اسلامی همده دار گردیده است. گفته می‌شود که این هلی کوپترها را در جنوب بیروت مخفی کرده‌اند.

۳۷ تن دیگر در ملاعام به دار آویخته شدند

بدنابل اهدامی چندماهه اخیر قاچاقچیان، جمهوری اسلامی در سنوبیت ۳۷ تن دیگر را بجرم قاچاق مواد مخدر در ملاعام به دار آویخت. جمهوری اسلامی در روز ۲۶ فروردین ۹ نفر را در شهرهای گنبد، شیراز و آباده و در روز ۲۹ فروردین ۱۰ نفر را در شهرهای بیرجند، قائن، تربت حیدریه، بجنستان، سنقر کلپایی و خرم آباد و در روز ۲ اردیبهشت ۲۸ نفر را در شهرهای سبزوار، اسفراین، گنبد، اسدآباد، همدان و زاهدان اعدام نموده است. در چندماه اخیر با اجراء قانون جدید مبارزه با مواد مخدر بر اساس اهلانهای رسمی تاکنون ۴۱۶ نفر اعدام شده‌اند و اکثر این اعدام‌ها در ملاعام صورت گرفته است.

اهدام انسان‌هایی که رژیم خمینی به اتهام قاچاق مواد مخدر در ملاعام صورت می‌دهد، موج نفرت عظیم و تاثیرات روانی مخربی را در سطح جامعه ایجاد کرده است. در اسفند ماه در یک روز که جمع کثیری به اتهام قاچاق در ملاعام به دار آویخته شدند تقریباً شهر تهران بحالت تعطیل درآمد. مردم بخت زده و پریشان شاهد مرگ آفرینی جنایتکارانه رژیم خمینی بودند.

ایجاد مراکز اطلاعاتی کامپیوتری

هلی‌اکبر رحمانی معاون وزیر کشور جمهوری اسلامی و سرپرست سازمان ثبت‌احوال طی یک مصاحبه اعلام نمود که متولدین سال‌های ۱۳۵۳ لغایت ۱۳۵۵ تا ۳۱ شهریور ماه سال و متولدین ۱۳۵۶ لغایت ۱۳۵۷ تا پایان سال جاری برای تعویض شناسنامه‌های خود مهلت دارند.

وی همچنین گفت متولدین سال ۱۳۵۳ باید هر چه زودتر برای تعویض شناسنامه اقدام کنند.

رحمانی در این مصاحبه افزود: مهلت تعویض شناسنامه‌های متولدین ذکور ۱۳۳۸ لغایت ۱۳۴۵ پایان یافته و به هیچ عنوان تمدید نمی‌شود.

ضمناً در ارتباط با ایجاد مراکز کامپیوتری اطلاعات جمعیتی، سرپرست سازمان ثبت‌احوال گفت که در سال ۶۸ قرار است سایت پایگاه اطلاعات جمعیتی و نصب کامپیوترها در نیمه دوم سال جاری تمام شود تاگردش اطلاعات در کشور سرعت چشم‌گیری پیدا کند. علاوه بر آن دفتر طرح مکانیزه که در آینده به معاونت مراکز کامپیوتری تبدیل می‌شود در تهران و شهرستان‌ها بوجود می‌آیند. لازم به یادآوری است که تاکید رژیم بر تغییر شناسنامه‌ها و ایجاد مراکز اطلاعاتی کامپیوتری در مورد افراد در سطح کشور در جهت گسترش شبکه کنترل امنیتی و بالابردن توان سرکوب رژیم می‌باشد.

نطق خمینی برای دلجویی از ارتش

در سالروز ارتش، ۲۹ فروردین ماه، خمینی طی پیامی ضمن ستایش از ارتش و دیگر نیروهای مسلح، با توطئه خواندن مبارزات حق طلبانه مردم در کردستان، گنبد و ترکمن صحرا اعلام کرد: ارتش قهرمان همچون صاعقه بر سر توطئه‌گران که در گوشه و کنار مرزها خواب تجزیه ایران را در سر پرورانده بودند فروآمد و کردستان و گنبد و ترکمن صحرا گورستان کوردلان گردید. که همه اینها از افتخارات... ارتش قهرمان است.

وی تضعیف ارتش، سپاه و بسیج را حرام دانسته و به مسئولین و تصمیم‌گیرندگان دستور داد که "در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالابردن آموزشهای عقیدتی و نظامی و توسعه تخصصهای لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفائی نظامی غفلت نورزند."

خمینی آماده نگه‌داشتن کامل کشور در زمینه فوق را برای پیشبرد سیاستهای ماجراجویانه پان‌اسلامیستی امری حیاتی توصیف نمود و گفت آموزشهای عقیدتی و اخلاقی باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

این پیام در شرایطی داده شده است که موج وسیع بازداشت و دستگیری مخالفین رژیم در ارتش و دیگر نیروهای مسلح برآه افتاده است.

رفسنجانی مجدداً به زنان ایرانی اعلان جنگ داد

رفسنجانی بعد از مدتی قیبت در اجتماعات، در خطبه‌های نماز جمعه تهران ضمن اشاره به مجموعه‌های از مسائل، به زنان جهت رعایت شئون اسلامی هشدار داد. وی اعلام کرد: مبارزه با بدحجابی مانند مبارزه با قاچاق مواد مخدر بطور طولانی ادامه خواهد یافت تا ریشه‌کن شود.

دو روز قبل از سخنرانی رفسنجانی، رئیس کمیته‌های انقلاب اسلامی طی بیانیه‌ای که در روزنامه‌های دولتی نیز انتشار یافت به زنان در این مورد اخطار کرد. در این بیانیه آمده است: مقرر است حجاب اسلامی با شدت بیشتری به اجراء گذاشته خواهد شد.

همچنین از ۸ مورد بی‌حجابی و یا بدحجابی مانند بکار بردن ماتیک یا سایه چشم، پوشیدن لباسهای تنگ، دیده شدن قسمتی از موی سر و پوشیدن جوراب نایلون نام برده شده است که مرتکبین به آن به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند.

در این بیانیه به مردان نیز در زمینه خودداری از پوشیدن پیراهنهای آستین کوتاه و یا لباسهای خودشوخت اخطار گردیده است.

بیژن و هم‌زمان جاودانگان جنبش انقلابی ایران

بقیه از صفحه ۱

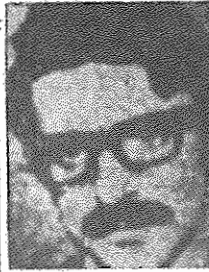
به مناسبت چهار دهمین سالروز فاجعه کشتار رفیق بیژن جزئی و یارانش



رفیق محمد چویان زاده



رفیق هزیز سوسمدی



رفیق حسن ضیاظرفینی



رفیق عباس سورکی



رفیق مشرف (سعید) کلانتری



رفیق احمد جلیل افشار

اقدام به فرار کرده و هدف گلوله‌های زندانیان قرار گرفتند. ساواک شاه برای اینکه دروغ خود را طبیعی جلوه دهد این خبر را هم در نوشته‌ای که به روزنامه‌ها داده بود اضافه کرد: یک مامور پلیس نیز که به شدت مجروح شده بود به بیمارستان منتقل گردید.

پس از انقلاب بهمن، وقتی تهرانی جلاد، سرباز جو و شکنجه‌گر ساواک به محاکمه کشیده شد، در اعتراضات وحشتناک خود از چگونگی اجرای توطئه قتل بیژن و هم‌زمانش پرده برداشت.

تهرانی اعتراف کرد که بر اساس تصمیم مقامات ساواک و تأیید شخص شاه و با هدف درهم کوبیدن مقاومت انقلابیون و محروم کردن جنبش از رهبران آن، بیژن و هم‌زمانش را به قتل رسانده است.

در مورد بیژن و گروهی که به گروه بیژن معروف بود تاکنون نوشته‌هایی بسیار در نشریات سیاسی ایران درج گردیده است، این بار اما می‌خواهیم این حماسه‌سازان را از زاویه‌ای تازه و خاطره یکی از هم‌زمانشان بشناسیم:

«وقتی بیژن و هم‌زمانش را به زندان قصر شماره ۳ (حیاط سه‌گوش) بردند، ورودشان به زندان تصرف تازه‌ای داد. مبارزه برای کسب امکانات حقوقی، رفاهی، مبارزه برای پایین آوردن جو خفتان در دادگاه، کوشش برای بهتر شدن روابط زندانیان با یکدیگر و... از دستاوردهایی بود که حضور رفقا در مبارزات زندانیان به همراه داشت. رفقا در همان اوایل ورودشان

به زندان قصر در پائیز ۴۷، به این نتیجه رسیدند که پس از دادگاه به زندانهای شهرهای دور افتاده تبعید خواهند شد. پس طرح‌های مختلف فرار را بررسی کردند و سرانجام، طرحی که می‌توانست رهبری و در صورت امکان، تعداد بیشتری از زندانیان را موفق به فرار کند مورد موافقت قرار گرفت. تقسیم کار برای جمع‌آوری اطلاعات و تهیه وسایل فرار و اختفای آن انجام شد.

این تصمیم رفقا هم‌زمان بود با یکی از موفقیت‌های مبارزات صنفی درون زندان، زندانیان سیاسی زندان قصر مسئولین زندان را واداشته بودند تا به ساختن حمام در داخل زندان و زمین‌البیال در حیاط شماره ۳-تن در دهند. شرایط تازه‌ای که به سبب کار ساختمانی در درون زندان به وجود آمده بود این امکان را برای رفقا فراهم می‌ساخت تا اطلاعات مربوط به فرار را بهتر بررسی و ابزار و وسایل فرار را با مشکلات کمتری تهیه کنند.

برای تدارک فرار از زندان دوره‌ای سه ماهه در نظر گرفته شده بود، پیشرفت کار، هفته‌ای یک بار توسط گروه مورد بررسی قرار می‌گرفت و... سرانجام نقشه و وسایل فرار تکمیل شد، مراحلی از فرار عملی تشخیص داده شد و بخشی از نقشه با توجه به نگرانی شدید زندان، غیرممکن و بخش دیگری همراه با مخاطرات بسیار جدی ارزیابی گردید.

چهار تن از رفقا (عباس سورکی، سعید کلانتری، محمد چوپانزاده، هزیز سوسمدی) بر اجرای نقشه فرار تأکید داشتند و نتیجه بحث و بررسی این شد که نقشه فرار به اجرا درآید اما در صورت عدم موفقیت در مرحله نخست، بلافاصله عقب‌نشینی صورت گیرد.

ساعت یازده شب بود. به همه افراد گروه برای اجرای نقشه آماده‌باش داده شد. سلول‌های زندان در تاریکی فرو رفته بود. چراغ راهرو اصلی زندان، سوسو می‌زد. سکوت، سکوت پرمعنائی بود. تاریکی بر حجم زندان سنگینی می‌کرد. سعید قفل در آهنی رویه حیاط را باز کرد. دوه‌ر چهار

رفیق به نرمی به حیاط سه‌گوش پا گذاشتند. در انتهای سالن دو تن دیگر از رفقا مطابق برنامه، پاسبان اکبری، نگهبان زندان را به حرف گرفته بودند؛ و این فرصت خوبی بود تا جفت در سبز آهنی، توسط رفیق دیگری از داخل بسته شود. یک رفیق دیگر طناب‌ها و قلاب‌ها را از پنجره به چهار رفیقی که حالا دیگر درون حیاط گرفته بودند، داد.

حیاط سه گوش در تاریکی مرموزی فرو رفته بود. اجرای مرحله اول فرار و ادامه آن شروع شد. استار پوست دست و صورت با دوده، سریدن آرام آرام به کنج کور حیاط، پرتاب قلاب به نوک دیوار، محکم کردن طناب، علامت صعود برای یک نفر.

اولین صعود از همه مشکل‌تر بود. اولی که به نوک

دیوار صعود کرد، وقتی آرنجش لبه دیوار را لمس کرد به سرعت خود را به پشت خرپشته انداخت. نظری به دوروبر اوضاع میزان است، علامت برای صعود رفیق بعدی. مرحله اول با موفقیت به انجام رسیده است. تنفسی و بررسی اوضاع، ادامه نقشه: طناب به قلاب و قلاب بر خرپشته. سعید به پائین و به حیاط بزرگ زندان قصر رفته و پشت درختی پنهان شده است. دقایقی می‌گذرد. علامت، علامت. اما نفر بعدی نمی‌آید. رفیق عباس سورکی در بالای بام به حمله قلبی دچار شده و کار متوقف می‌شود. سعید برای بازگشت کوشش می‌کند. نگهبان زندان انگار با پوستش حرکت‌هایی را احساس می‌کند. صدای صدای نگهبان: ای...ست ای...ست!

صدای گرمب گرمب پای نگهبانان بر پشت بام زندان، مارا از هدم موفقیت طرح باخبر می‌کند. صدای برهم خوردن درهای آهنی، یورش پلیس، سرشماری مجدد، به هم‌ریختن اثاثیه زندانیان. خوشونت! خوشونت!

در زندان حرکت اعتراضی تازه‌ای در مقابله با فشارهای جدید زندانبانان سازمان داده می‌شود. اعتصاب غذا! ابتدا توسط افراد گروه و سپس با همراهی زندانیان دیگر اعتصاب غذای ۳۸ نفره‌ای شکل می‌گیرد. دوازده روز مبارزه جمعی در درون زندان، دوازده روز اتحاد شورانگیز زندانیان برای هادی کردن اوضاع منجر به مذاکراتی با مقامات زندان می‌شود و بالاخره وضعیت هادی برقرار می‌گردد.

بیژن و رفقای گروه دیگر در زندان قصر نبودند. مدتی از آنها بی‌خبر بودیم و چندی بعد خبر تبعیدشان به زندانهای شهرهای مختلف به گوشمان رسید؛ هزیز به زندان برازجان. بیژن به زندان قم و سعید، بندر عباس و...

چند سال بعد، در بهار سال ۵۴... «... اینک دیرگاهی است که رژیم خودکامه دیگری بر گرده مردم سوار است و گلوی خلق را می‌نشارد. دیرگاهی است که زندانها به خون بیژن‌ها و هزیزها آغشته است.

در کشتار قهرمانان اسپر، چندان که شاه را ثمری نیفتاد، حاصلی برای این رژیم پوسیده نیز نخواهد داشت. آینده از آن جزئی‌ها، اشرف‌ها و انوش‌ها است.

گزارشی از دیدها و شنیده‌ها در تهران خمینی زده

تهران در نخستین روزهای بهار

گزارش زیر را یک رفیق فدائی برای ما ارسال داشته است. وی بر خوردهای خود با افراد مختلف و مشاهده‌اش را در قالب یک گزارش به روی کاغذ آورده است که هینا درج میشود:

می‌دهد مردم باید بدانند خرید و فروش دلار دست دولت نیست و طبیعتاً کنترل آن هم نمی‌تواند به همه ما باشد. آنها چک‌های ۲۰ میلیون تومانی، ۵۰ میلیون تومانی، و حتی ۱۰۰ میلیون تومانی وارد بازار می‌کنند، دلار و سکه را جمع کرده و دور روز بعد با چند تومان بالاتر دوباره وارد بازار می‌نمایند. بلیه آقای نخست وزیر انگار نخست‌وزیر کشور دیگری است. دلار روبه‌گرانی است. حذف منتظری، درگیری در جبهه‌ها و هر حادثه تشنج‌زایی روی قیمت دلار اثر می‌گذارد، دونه‌ها بام صحت می‌کنند، اولی‌پشنیده‌های در شلمچه درگیری شده بین ایرانیها و عراقیها و چند تیر شلیک شده؟ دومی: هر تیری برای مردم ما و عراق چند دلار تمام می‌شود؟

خانم مریضی برای خرید دلار به چهارراه آمده از فردی که داد می‌کشد سکه و دلار خریداریم می‌پرسد آقا دلار چند؟ وی جواب می‌دهد با امتیاز ۱۱۷/۵ تومان، خانم با بی‌حالی جواب می‌دهد خدا همش را قطع کند، فروشنده هصبانی می‌شود و می‌گوید یعنی چی خانم، من چی کنم، می‌خواهی بخر و نمی‌خواهی بخر، خانم جواب می‌دهد، آقا با شما نبودم گفتم خدا هم این پیرکفتار را کم کند و فروشنده می‌گوید خدا از دهانت بشنود خانم، معذرت می‌خواهم، متوجه نشدم، به میدان آزادی می‌رویم هدهای جوان بیکار شب در ترمینال می‌خوانند و صبح بلیط برای نقاط مختلف می‌خرند و بعد در بازار آزادی که به منظور فروش این بلیط‌های اتوبوس تشکیل شده بفروش می‌رسانند، در چند متری ترمینال بلیط‌ها از دست فروش می‌رسد: آقا مشاهد چند؟ ۴۵۰ تومان، چند نفری؟ ۲ نفر، ۹۰۰ تومان میشود یک نفر که می‌گوید بخدا

سراف یک جفت نوار که در یک الیوم با نام حافظانه به مناسبت ۵۰ سال بعد از حافظ، بسته‌بندی شده است. فروشنده می‌گوید این کاست‌ها از طرف رادیو و تلویزیون بیرون داده شده ولی وزارت ارشاد مخالف است و آنها را تایید نکرده، بفل‌دستی او جواب می‌دهد وزارت ارشاد با حافظ مخالف است و می‌خندد.

به چهارراه استانبول می‌رویم، بورس سکه، دلار، مارک و بقیه پولهای خارجی، هدهای که از طرف صراف‌های میدان فردوسی تا چهارراه استانبول به کار گرفته شده‌اند همه جا حضور دارند. سراسر پیاده‌رو از ساختمان پلاستکو تا سهراب منوچهری مملو از این افراد است همه تپیی در این بین دیده می‌شود دبیر، کارمند بانک، کارمند دولت، دبیر، بیکار، دانشجو، مهندس، بازنشسته، دانش‌آموز و افغانی.

وقتی در پیاده‌رو راه می‌روی جلویت را می‌گیرند آقا فروشنده‌های، ۱۱۷ تومانش را بدم، سکه‌داری ۱۲۴۰۰ تومان و... دلار و سکه خریداریم، مارک خریداریم، امتیاز پاسپورتی خریداریم، پسری با هجله رد می‌شود ۲۰۰۰ دلار با امتیاز خریداریم فوراً. و یک نفر می‌گوید چند می‌خری و خریدار جواب می‌دهد ۱۱۷ تومان و ۲ ریال فروشنده فوراً دست خریدار را می‌گیرد و می‌برد داخل یک پاساژ و می‌گوید ماشین حساب داری و حساب می‌کند و پولها رد و بدل می‌شود.

فروشنده و خریدار یعنی دلان از طرف صراف‌ها اجیر شده‌اند والا یک دبیر و یا کارمند سرمایه خرید و فروش ارز را ندارد. نخست‌وزیر با اطلاعات صاحب‌می‌کند، خبرنگار می‌گوید چرا سکه و دلار را دولت کنترل نمی‌کند، موسوی جواب

جواب می‌دهد احتیاج به حداقل ۱۰۰۰۰ تومان سرمایه داری، در ضمن باید کوپن تقلبی و غیر تقلبی را هم بشناسی بقیه‌اش با فریاد کوپن خریداریم درست می‌شود و اضافه می‌کند سیگار هم بگذار جیبیت، می‌توانی سیگار هم بفروشی.

کنار خیابان به سمت میدان آزادی ایستاده‌ام جوانی داد می‌زند تاکسی آزادی، راننده تاکسی جواب می‌دهد نداریم، پشت مینی‌بوسها روی خاک پشت آنها با انگشت نوشته شده سالمای دور از آزادی، سالمای دور از لاس‌تیک، سالمای دور از لوازیم، سالمای دور از یاران و... این جمله از هنرمان فیلم سالمای دور از خانه و یا او شین گرفته شده. سراغ کتابفروشی‌ها می‌رویم، کتاب هم بسیار گران شده، آقایی مراجعه می‌کند و می‌گوید می‌خواهم کتابخانه پسرم را بفروشم، کتابفروش با لبخند می‌پرسد پسرتان می‌داند این کتابها را می‌فروشید؟ آقای فروشنده جواب می‌دهد نه آقا و اشک چشمهایش را می‌گیرد و بعد ادامه می‌دهد هیچوقت نخواهد زمین نوآباد، گارد جوان، اقتصاد سیاسی و... دیده می‌شود. باینکه سرکوب و وحشیگری رژیم در اوج است ولی مردم بر مطالعه کتاب‌های خوب و جستجو برای پیدا کردن کتاب‌هایی که رژیم خرید آنها را جرم می‌داند، و سیاه‌مشتاق هستند، کتاب انقلاب دوم روسیه، پرسترویکا چاپ چهارم ۱۲۰۰۰ تیراژ تمام شده و در بازار آزاد ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان به فروش می‌رسد کتاب فوق با قیمت ۴۰ تومان وارد بازار می‌شود. نوارهای کاست مختلف به چشم می‌خورد، در مورد نوارها هم در رژیم اختلاف وجود دارد، می‌روم

گرانی و تورم، بی‌سابقه و فاجعه‌انگیز است، همه‌ترین موضوع مورد بحث در دید و بازدیدهای مید گران و وحشتناک و جنگ قدرت در رژیم است، خوراک، پوشاک، لوازم التحریر، لوازم یدکی ماشین، مصالح ساختمانی، بلیط اتوبوس، کرایه وسایل نقلیه، اجاره، سنگ قبر،... گرانی حدوداً ۷۵٪ قیمت‌ها می‌رویم پیاپی ۷۵٪ تومان، سبب زمینی ۵۵٪ تومان، برنج تایلندی کیلویی ۱۳۰ تومان، روغن نباتی کیلویی ۱۲۰ تومان، کره کیلویی ۲۵۰ تومان و تازه اغلب مواد خوراکی با کیفیت پایین عرضه می‌شوند، روغن نباتی بودار، برنج شکسته و خرد تایلندی، کره تند بسته‌بندی،... اجناس موجود اغلب توسط جوانان بیکار که برای آوردن جنس به ترکیه و دوبی می‌روند، وارد کشور می‌شود. از ترکیه شکر، روغن، لباس، از دوبی تلویزیون، کامپیوتر و... بازار پوشاک داغ است، تقریباً همه نوع لباس یافت می‌شود. ولی کمتر کسی سراغ لباسهای مد جدید می‌رود، پیراهن ساده مردانه ۷۰۰-۵۰۰ تومان، کفش ساده مردانه حداقل ۶۰۰ تومان، کت و شلوار ساده ۷۵۰۰ تومان، یک شلوار جین بچگانه ۱۵۰۰ تومان، اجناس خارجی بسیار گران عرضه می‌شوند. سراغ لوازم یدکی برویم یک جفت لاستیک پیکان ۱۷ هزار تومان، صفحه کلاچ ۷۵۰۰ تومان، خلاصه یک تعمیر موتور بیش از ۲۰۰۰۰ تومان تمام میشود، یادم رفت از شیرینی و آجیل بگویم آجیل کیلویی ۱۴۰۰ تومان و شیرینی حداقل ۲۵۰۰ تومان.

سراف شهر برویم میدان انقلاب رفت و آمد مردم در خیابان توسط سربازان وظیفه که در اداره راهنمایی خدمت می‌کنند کنترل می‌شود، میدان کمی آرام‌تر به نظر می‌رسد، صدای کوپن خریداریم به گوش می‌رسد. در پیاده‌رو جلوی سینماهای میدان هستیم، پسر جوانی حداکثر ۲۰ ساله که سیگار زیر لب دارد می‌گوید کوپن خریداریم، اعلام شده، اعلام شده خریداریم، کارگری، کارمندی خریداریم، کوپن بنزین خریداریم و... شمار این جوانان در پیاده‌رو به دهها می‌رسد، اغلب کارگران فصلی هستند، جوانی با لهجه آذری پیش می‌آید، می‌گویم اگر من بخواهم اینجا کار بکنم باید چکار بکنم؟

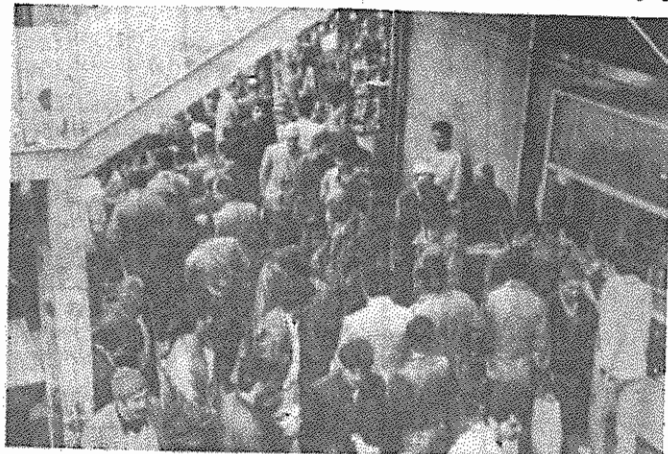
من کارمند اداره آب هستم و یک فلتی کردم به تهران آمدم حالا چطور با بلیط ۴۵۰ تومانی به مشهد برگردم؟ جوان فروشنده جواب میدهد آقا من چه کار کنم بیاز کیلویی ۷۵ تومان است، دردت را برو به آقا بگو و وی با نفرین و فحش جواب میدهد نفرین ولعت بر این آقا، یک فرد دیگر جلو میاید و میگوید دادش من هم کارمند هستم ولی مجبور هستم اینجا مسافرکنشی کنم و یا بلیط در بازار آزاد بفروشم به خدا تقصیر ما نیست، این پدر سگ ما مارا به اینجا کشاندندو حالا از جیب همدیگر دزدی میکنیم، جوانکی با تمسخر میگوید چه میگوید آزادی نیست، بخحال آزاد، مرغ آزاد، بلیط آزاد، لاستیک آزاد، کنکور آزاد، تلویزیون آزاد، فقط آدمها آزاد نیستند، پیرزنی در کنار ترمینال پیراشکی و سیگار میفروشد و رژیم را نفرین می کند، گازوئیل اتوبوسها هوارا شدیدا آلوده کرده است، ماشین های شخصی کرایه جلوی در ترمینال داد می زنند رشت، تبریز، قزوین، زنجان، آقا رشت چند؟ راننده جواب میدهد بلیط اتوبوس تا ۱۵ روز دیگر نیست، آقا شما چند میگیرید؟ ۷۵۰ تومان، می آیم کنار خیابان و می گویم انقلاب، این هم جدیدا در بین رانندگان تاکسی شکل گرفته که به هر کسی که اسمهای به اصطلاح اسلامی خیابانها را می گویند متلک می اندازند، یک آقای ظاهرا حزب الهی به تاکسی می گوید انقلاب اسلامی یعنی همان میدان انقلاب و راننده تاکسی می گوید نخواستیم و بعد برای رفع شر حزب الهی می گوید نمیخوره آقا نمیخوره، سوار تاکسی می شوم، راننده تاکسی می گوید خانم لطف کنید دررا یواش بنیدید، خانم جواب میدهد آقا من که یواش بستم، آقای دیگر وارد صحت میشود و می گوید خانم ماشین نیست، اتومبیل نیست، مگر نشنیده اید که روز ۲۵ اسفند جلوی وزارت صنایع عده ای تجمع میکنند و اعتراض می کنند که دولت چرا به تعهدات خود عمل نمیکند، این عده در سال ۶۳ پول به حساب دولت ریخته اند تا اتومبیل پیکان بگیرند ولی هنوز در سال ۶۸ آن را دریافت نکرده اند، خلاصه درگیری میشود پاسداران دخالت میکنند و یک نفر به اسم شیعی حتی به بیمارستان منتقل میشود و عده زیادی دستگیر میشوند.

شیک پوشی با خنده می گوید آقا این هم دولت و تعهداتش دولت ورشکسته است، فقط ۱۰ میلیارد ریال به بانک مرکزی بدهکار است، دولت رفتنی است باید فکر چاره باشند، راننده تاکسی شروع به نفرین کردن میکند و اتحادیه وابسته به رژیم میکند و میگوید عملا قلب لوازم را آزاد میخریم، تازه پدر ما تو ترافیک شهر در می آید، کنار خیابان سیگار بفروشم از این با صرفه تر است، به جنوب شهر می رویم خیابان مولوی تا میدان اهدام (محمدیه) پراز سیگار فروش است، اینجا هم شده بورس سیگار، دولت رسما سیگار تیر را از ۳۰ تومان به ۵۰ تومان رساند و در نتیجه در بازار آزاد هم سیگار به ۱۴۰ تومان رسید.

چهارراه مولوی، سیروس، مرکز میوه فروشهای دستی است این قسمت به کابل معروف است، افغانی ها به فراوانی در این قسمت شهر حضور دارند، افغانی ها دیگر کم کم در محیط حل میشوند. در جنوب شهر افراد معتاد کمتر دیده میشوند، دیگر شوخی نیست موضوع اهدام است، در انبار نفت ماموران کمیته به دو نفر معتاد حمله میبرندو با دست بند و اعمال وحشیانه آنها را به داخل ماشین هدایت می کنند همه ایستاده و آنها را تماشا میکنند یک نفر از میان جمعیت می گوید به ناوگان آمریکا حمله برده اند، یکی دیگر می گوید آقا حق دارند اگر قرار باشد همه مواد خلاف بفروشد پس کمیته چی ها چه کنند، یک کاری هم باید به آنها سپرده شود. میدان اهدام مرکز فروش مواد فذائی ایران، پدر و هموی نخست وزیر هم در اینجا کاسی می کنند، در اینجا روزی میلیونها تومان دست بدست می شود، به مرکز شهر می رویم، میدان امام حسین (فوزیه) به مرکز فحشا بدل شده، نشانه ای

دیگر از فجایع اجتماعی و محصولی دیگر از جمهوری اسلامی، ۸ سال جنگ، فقر، بدبختی، بیکاری، و... همه و همه این عوامل در بوجود آمدن چنین وضعیتی شریک بوده اند. متأسفانه همق فاجعه زیاد است و سعت فحشا با سالهای قبل قابل مقایسه نیست، دیگر خبری از گشت های مبارزه با منکرات نیست و موضوع کاملاً نمود خارجی پیدا کرده، دست فروشها در پیاده روها دست به فروش همه چیز میزنند از چند کیلو شکر گرفته تا تیغ و لباس کهنه و سیگار و صابون و غیره.

سراف آموزشگاه دانشجو در لاله زارنو میروم، بازار کلاسهای کنکور داغ است ولی عملاً شانس همه نصف شده است سهمیه بسیج و به اصطلاح شهدا و بقیه ارگان های رژیم به ۴۰ درصد کل پذیرش رسیده و تازه این آمار رسمی است، باچه های دانش آموز صحبت می کنم، یکی می گوید امسال سال آخر دبیرستان است، از گلولی خانواده ام زده ام و ۲۵۰۰ تومان بابت فقط دروس اختصاصی کلاس کنکور داده ام ولی چون در منطقه یک هستیم شانس قبولی نیست، رشته ام تجربی است و این باز کار را بدتر میکند وی می گوید حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر شرکت کننده کنکور خواهد بود حداکثر ۱۵ درصد آن به منطقه ۱ یعنی مراکز استانها میرسد و حساب کنید بیش از ۳۵۰۰۰۰۰ نفر شرکت کنندگان هم از منطقه ۱ هستند یعنی عملاً فقط عده ای نخبه قبول خواهند شد، در خانواده هم زیاد فشار است همه میگویند باید دکتر شوی، چون هر چیز دیگری فیراز طلب بخوانی بدرد نمی خورد، عملاً نه علاقهای به رشته خاصی مطرح است و نه چیز دیگر، من میدانم باید چه کنم گاهی واقعا چشمم سیاه می رود،



انتظار خانواده از یک طرف، شرایط کاملاً فیرهادلانه از طرف دیگر، چاره ما چیست؟ آرزو میکنم کاش اصلاً به سن بلوغ نمی رسیدم، موج دیپلمه هاز آموزشگاه بیرون می زند، آموزشگاه تعطیل می شود، جای اکثر آنها متأسفانه اگر این رژیم بماند در چهارراه استانبول پیش سکه و دلار فروشها و یا در میدان انقلاب نزد کوپن فروشها و یا در میدان آزادی در بازار آزاد بلیطویا در اردوگاه های پناهندگی کشورهای خارج خواهد بود، راستی این نسل نفرین شده است، عوارض رشد بی رویه جمعیت کاملاً به چشم می خورد، آموزش و پرورش اعلام می کند سال دیگر دو میلیون و ۱۵۰ هزار نفر به جمع نوآموزان افزوده می شود و امکانات آموزشی برای این عده نیست، در یک نمایشنامه رادیویی این فاجعه اینطور به طنز بیان شد که پدری می خواست اسم پسرش را در مدرسه بنویسد برای کلاس دبستان و مدیر مدرسه در اب گفت آقا شماره می دهیم بروید ده سال دیگر بیایید.

به شمال شهر نظری افکنیم، در میدان ونک هستیم عده ای در جلوی بیمارستان مجهز و نوینایی بنام بیمارستان خاتم الانبیا تجمع کرده اند، عده ای به این خاطر که شاید این صف یک جنس باشد سرکشی می کنند ولی خبری نیست، قیافه ها در مانده و تکیده و مریض هستند، می پرسم مادر چه خبر است، با ناراحتی جواب میدهد، از اردبیل آمده ایم، پزشک معالجم گفته دستگامها و دکترهایی که می توانند به تو کمک کنند فقط در این بیمارستان هستند ولی این بیمارستان را فقط برای خودشان درست کرده اند، باید یک پارتی در مجلس و یا سپاه و فیره داشته باشی، خلاصه کلی بدوی تا از این بیمارستان پذیرش بگیری، زنی در حال گریه است، خواهر چرا گریه می کنی؟ به شوهر من دکتر گفته که حداکثر ۴۰ روز دیگر زنده هست و گفته اگر بتواند در این بیمارستان بستری شود شاید بشود کاری برای وی کرد، ولی این بیمارستان مخصوص این دلیل مانده ها، آخوند جماعت است، آری اینهمه کارنامه سیاه همد اسلامی است، با این مردم چه کرده اند؟ قهرمانان این مردم را از آنها گرفته اند روزی نیست که خبر از اهدام رفتا نرسد، آنها را

همه هستی‌شان را سیل به تاراج برده است. و این بازمانده هستی یک روستاست. چند فانوس، چند پارچه ظرف، تعدادی رختخواب، و دیگر هیچ. این گوشه‌ای است از تلاش سیل‌زدگان سیستان برای نجات بازمانده هستی خویش.



خاک شور بسته مزارع و روستاهای فقرزده سیستان را به یکباره سیل فراگرفته است. خانه‌های اکثر روستائیان سیستان در سیل عظیم ویران شد. بسیاری از روستاها را آب فراگرفت و بسیاری مزارع در گل ولای سیل مدفون شد.

جمهوری اسلامی می‌کوشد تا مسئولیت این ویرانگری به گردن "اشتباهات و ندانم‌کارها"ی برخی از مسئولین بیندازد.



جمهوری اسلامی است که ثروت‌های ملی ما را همچنان به کام فروشندگان و دلالان اسلحه می‌ریزد. مسئول، رژیم خمینی است که اقتصاد کشور را به نابودی کشانده است.

نه! مسئول این ویرانگری‌ها طبیعت نیست. مسئول این‌ها مسئولین قارتگر و فاسد جمهوری اسلامی هستند که ثروت‌های ملی ما را تاراج می‌کنند. چه تاراجی که حتی از کمک‌های نقدی مردم به سیل‌زدگان نکرده‌اند!

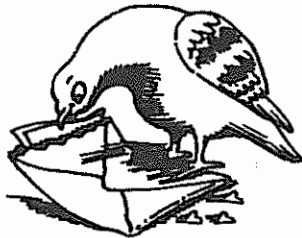
هستی را برد، سیل بسیاری را کشت. اما امروز با این پیشرفتهای علمی و فنی، با توانایی انسان امروز در مهار طبیعت و سوانح آن آیا میتوان مسئولیت این بی‌خانم‌نیاها، ویرانی‌ها و کشتار را به گردن طبیعت انداخت؟ نه! هرگز! مسئول این تیره روزی‌ها آنها هستند که سالها بطور رسمی بودجه‌هایی را که باید صرف عمران و آبادانی شهرها و روستاهای فقرزده ایران شود، صرف هزینه‌های جنگ کرده‌اند. مسئول این تیره‌روزی‌ها

مسئول این خسارت‌ها جمهوری اسلامی است

میسازد، فاجعه‌ای عظیم تر از پیش به وقوع پیوست. سیل ویران کرد. سیل بی‌خانمان کرد. سیل همه

سیل در سیستان فقرزده فاجعه به بار آورد. در سرزمینی که هر روز فقر و گرسنگی فاجعه

گوهردشت انجام گرفته است. دختری به اسم آذر که به گفته خانواده‌اش از رهبران اعتصاب بوده در زندان قزل حصار بوده در زندان قزل حصار اعدام شده است. رستم زاده، اوستی، باغبان از جمله اسامی اعدام‌شدگان بود که در جمع خانواده‌های حاضر در گورستان شنیده می‌شد.



بازداشت شده است و وی از بیت منتظری بوده، رژیم حالت جنون پیدا کرده خبر اعدام بیش از ۴۰ نفر از اعضای بالای سپاه که با نوری نماینده جدید خمینی بیعت نکرده‌اند در شهر پیچیده، اعدام زندانیان سیاسی هم هنوز ادامه دارد. در اولین جمعه ۱۳۶۸ یعنی ۴ فروردین ۱۰ جسد به گورستان زندانیان سیاسی در پشت گورستان بهشت سکینه در جاده قزوین - کرج منتقل شده است، خانواده‌های آنها با هم به گورستان آمده‌اند، سنگ قبر و ۲ نفر بنا برای گذاشتن سنگ قبرها، شیون وزاری سطح گورستان را فراگرفته است. اعدام‌ها در زندان قزل حصار و یا

بخشنامه شده عکس‌وی را بردارند. البته هنوز در جاهایی روی دیوارها مانده است مثل شعارهای مربوط به جنگ مثلا در خیابان پیروزی روی سا ختمان عظیمی که کمیته ستاد خود را به آنجا منتقل کرده است بزرگ نوشته شده "قبول صلح خیانت به اسلام است" امام خمینی و هنوز این شعار دست نخورده است.

همه‌جا صحبت از منتظری است، در صف ناوایی مستم شاطر می‌گوید، آقا آن که اسمش را هم هوش کرده بود و گذاشته بود منصورنی، یک خانمی که در جلوی صف خانم‌ها ایستاده می‌گوید مگر اکبر شاه (رفسنجانی) مرده که وی بخواهد رهبر شود. خبر درگیری در قم در تهران پیچیده، وضعیت بسیار متشنج است مردم منتظر همه چیز هستند حتی یک کودتا توسط سپاه، کودتای جناحی علیه جناح دیگر، ضربه شدیدی به ثبات جمهوری اسلامی خورده، شایع شده که لاریجانی معاون وزیر امور خارجه پس از استعفا

تهران

در نخستین روزهای بهار

بقیه از صفحه ۷
چنین کشتار کرده‌اند و مردم را چنین زجر کش می‌کنند، خمینی مرگت باد.

اخبار ساعت ۸/۵ خبر استعفا و یا بهتر بگویم به کنار گذاشتن منتظری را پخش می‌کند و فردا صبح که از خانه بیرون می‌آیم وبه شهر می‌روم دیگر از عکس بزرگ منتظری در پشت ساختمان جهاد در میدان فاطمی خبری نیست روی آن را رنگ آبی زده‌اند، در خیابان انقلاب روی عکس منتظری کنار سینما آفریقا رنگ سفید زده‌اند، داخل بانک می‌روم تا کارم را انجام دهم به رئیس بانک تلفن زده می‌شود، رئیس بانک که گوشی تلفن را در دست دارد اطراف را نگاه می‌کند و می‌گوید نه خوشبختانه نداریم، منظور وی عکس منتظری است به همه جا

کمک‌های مالی رسیده

نیکه‌ازین برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۸۱۸ مارک باکد یبه یادر فنیق رحیم اسداللمی ۳۲,۵ مارک تمبر پستی از فلاند رفیق "س" از بلگراد. یوگسلاوی کمک به واحدهای فدائی داخل کشور ۱۰۰ مارک ۵۰ دلار

پای لوزان طرح بودجه جرج بوش

از زمان انتخاب جرج بوش به سمت ریاست جمهوری آمریکا تاکنون، حرکت فعال و زنده‌ای از سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا مشاهده نشده است. در همین رابطه است که میخائیل گاریاچف در سخنرانی خویش در لندن از این تامل دولت آمریکا برای پاسخگویی به مسایل جهانی ابراز نگرانی کرد. با این وجود می‌توان برداشتن گام‌هایی به پس نسبت به مواضع عقب مانده در زمان ریگان و تقویت رویه اعمال زور در سیاست خارجی را مشاهده کرد. بودجه ارائه شده از جانب جرج بوش به کنگره آمریکا نشان می‌دهد که همین واپس‌نشینی و تقویت گرایش ضد مردمی در سیاست داخلی نیز چشم می‌خورد.

طرح بودجه ارائه شده به کنگره اکنون از کمیسیون‌های مختلف کنترل گذشته و تا اول ماه اکتبر سال جاری باید مورد تصویب قرار گیرد. این طرح قرار است در یک برنامه مرحله‌ای کسر بودجه ایجاد شده توسط دولت ریگان را کاهش داده، توازن را تا سال ۱۹۹۳ برقرار سازد. بوش در طرح خود برای سال مالی ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۰ کسر بودجه را در حد ۹۱/۵ میلیارد دلار محاسبه کرده است. در مطبوعات آمریکا به این رقم با احتیاط برخورد شد و گفته شد بوش با دقت لازم توضیح نمی‌دهد و نمی‌گوید درجه زمینه‌هایی می‌خواهد به صرفه‌جویی دست زند. «وال استریت ژورنال» نوشت: بوش همان راهی را طی می‌کند که ریگان به نمایش گذاشت: مخفی کردن کسری بودجه در

پشت رتم‌ها!

بوش در مبارزه انتخاباتی وعده کرده بود بدون افزایش مالیات‌ها و کاهش بودجه نظامی و همچنین بدون کاهش بودجه تامین رفاه اجتماعی ۵۰ برنامه جدید از جمله مبارزه با وضع فلاکت بار رفاه اجتماعی، مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر، مبارزه با بی‌خانمانی و بهبود وضع آموزش را پیش برد. درآمد دولت در سال مالی ۱۹۸۹، ۹۷۵/۵ میلیارد دلار خواهد بود که بر اساس پیش‌بینی‌های اقتصادی در سال ۱۹۹۰، ۸۸۰ میلیارد دلار افزایش خواهد داشت. در حالی که هزینه‌ها که در سال جاری ۱۱۳۷ میلیارد دلار هستند، در سال آینده با در نظرگیری صرفه‌جویی‌ها و هدم افزایش هزینه‌های جاری و تنظیم دقیق برنامه‌های جدید، تنها ۱۸ میلیارد دلار افزایش خواهد داشت یعنی به حد ۱۱۵۵ میلیارد دلار خواهد رسید.

پیش از هر چه سوسپید بر محصولات کشاورزی، بودجه اختصاصی برای وسایل نقلیه عمومی، پست و نظام بهداشتی کاهش خواهند یافت. در نظر است بودجه حمایت از خانواده نیز کاهش یابد. حقوق بازنشستگی کارمندان بخش عمومی از این پس با رشد تورم افزایش نخواهند یافت. در همین حال بوش درباره هدم افزایش بودجه نظامی گفت: «این هدم افزایش تنها برای یکسال خواهد بود. پس از آن افزایش بودجه نظامی اجباری خواهد بود... من قدرت آمریکا را به خطر نخواهم انداخت.» نکات ضعف طرح بودجه در هزینه‌ها به آسانی قابل مشاهده هستند. این نکات ضعف هم

صرفه‌جویی‌ها و کاهش‌ها را شامل می‌شود و هم محاسبه درآمدها را. درآمدها بر اساس واقعیات رشد اقتصادی محاسبه نشده‌اند. به عنوان نمونه در محاسبه از این فرض حرکت می‌شود که اقتصاد آمریکا تا سال ۱۹۹۲ رشدی ۳/۵ درصد داشته میان ۳/۲ و ۳/۵ درصد داشته باشد و درآمدی مالیاتی معادل ۴۰۰۰ میلیارد دلار به همراه آرد. این که اقتصاد آمریکا از هفت سال پیش در هر صدهای اصلی سکون داشته، در نظر گرفته نمی‌شود و این در حالی است که انستیتوهای اقتصادی آمریکا رشدی معادل ۲/۶ تا ۲/۸ درصد برای سال ۱۹۸۹ و کاهش رشد به سطح ۱/۵ تا ۱/۷ درصد برای سال ۱۹۹۰ پیش‌بینی کرده‌اند. کاهش رشد اقتصادی در سطح ۲/۵ تا ۲/۸ درصد به مفهوم کاهش درآمد مالیاتی به میزان ۶۰ میلیارد دلار است.

تاثیر چنین محاسباتی بر زندگی مردم آمریکا به روشنی آشکار می‌شود، کافی است در نظر بگیریم که در آغاز دوران ریاست جمهوری ریگان نیز همین سیاست در پیش گرفته شد و کار به جایی رسید که بودجه در نظر گرفته شده برای آشپزخانه‌های خیابانی که گرسنگان را تغذیه می‌کردند، قطع گردید. اکنون دولت بوش همین سیاست را بر ویرانه‌های ایجاد گشته توسط دولت ریگان در پیش گرفته است.

کمیسیون مالی مجلس نمایندگان آمریکا در «کتاب سبز» خود نتیجه گرفته است که فقیرترین‌ها در آمریکا طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۷ باز هم فقیرتر و ثروتمندان بازم

ثروتمندتر شده‌اند. این گزارش بیان می‌دارد: درآمد سالانه ۲۰ درصد از فقیرترین مردم از ۵۴۳۹ دلار به ۵۱۰۷ دلار کاهش یافته است. با در نظر گرفتن تورم این امر به معنای کاهش است به میزان ۱۱ درصد. درآمد سالانه ۲۰ درصد از ثروتمندترین مردم در سال ۱۹۸۷ به میزان ۶۸۵۸ دلار افزایش یافت و به سطح ۶۸۷۷۵ دلار رسید. این افزایش در سطح ۲۴ درصد است. زمان بررسی این امر طوری برگزیده شده که اقتصاد آمریکا در سطح بالای رشد خود بوده است. در همین دوران فاصله میان فقیر و ثروتمند به ویژه افزایش پیدا کرد. در زمانی که بخش‌دگی‌های مالیاتی باعث سودهای کلان آنهایی شدند که بر فراز هرم نشسته بودند، این توده عظیم در پای هرم بودند که بار اصلی سیاست تسلیحاتی را بر دوش داشتند.

این بررسی برای اولین بار به طور رسمی تأیید می‌کند که میلیون‌ها نفر از شهروندان ایالات متحده با درآمدی بسیار کمتر از خانواده ۳ نفری زندگی می‌کنند. این سطح درآمد در سال ۱۹۸۷ رسماً به عنوان مرز فقر اعلام شده بود.

«کتاب سبز» کاهش بودجه‌های اجتماعی و هدم افزایش درآمدها را به عنوان اصلی‌ترین عامل فقر و فلاکت و وسیع در آمریکا می‌شمارد. اعتیاد و ارتکاب جرایم جنایی در محله‌های فقیرنشین خود به سختی قابل کنترل و شره فقر است. از همه تکان دهنده‌تر سرنوشت کودکان در این محلات است.

کارشکنی عراق

بقیه از صفحه ۲
و آتش‌بس ۸ ماهه ادامه داد. وی افزود این واقعیت که وزرای خارجه دو کشور حاضر شده‌اند به ژنو بیاینده نشاندهنده این موضوع است که طرفین مایلند اختلافات خود را از طریق مسالمت‌آمیز حل کنند و برای اجرا قرارداد ۵۹۸ سازمان ملل به توافق برسند. قبل از نشست بعد از ظهر روز پنجشنبه وزرای خارجه دو کشور ایران و عراق دیدار و گفتگو کردند. بعد از پایان نخستین اجلاس از

چهارمین دور مذاکرات صلح ولایتی گفت: طرفین موافقت کردند که پیشرفت حاصله طی هفت ماهی که از آغاز آتش‌بس می‌گذرد کافی نبوده است. وی اضافه نمود که جو مذاکرات در دورکنونی از گذشته بهتر است و این در حالی است که آقای دوکوئیاری اعلام کرد مذاکرات طرفین هنوز بطور غیرمستقیم صورت می‌گیرد و آنها هنوز به مسائل اساسی نپرداخته‌اند. طارق عزیز نیز در ژنو اعلام داشت: هنوز مذاکرات واقعی بین ایران و عراق آغاز نشده است. وی

حکومت اسلامی را مجدداً به کارشکنی و وقت‌گذرانی متعم ساخت. «الثوره» ارگان حزب بعث عراق نیز نوشت: سراسر «شش‌تقریب» و ارون‌درد در حاکمیت دولت عراق می‌باشد و پیرامون این واقعیت جای هیچگونه بحثی وجود ندارد. مطابق گزارش‌های دریافتی هیات کارشناسی عراق برای تقویت مواضع خود و کارشکنی در ادامه مذاکرات بر موقعیت داخلی در ایران و درگیری‌های جناح‌های حکومتی تأکید می‌کند. بطور مثال اعلام شد که چگونه می‌توان با وزیر امور خارجه‌ای که ممکن

است پس از بازگشت به تهران دستگیر شود مذاکره کرد. اشاره رفسنجانی در نماز جمعه تهران به این واقعیت که ولایتی مورد اعتماد ضمنی است و هر چه او در مذاکرات صلح به صلاح تشخیص دهد می‌تواند امضا کند، گویای این امر است. گفته می‌شود ادامه چنین روندی و بیان چنین نظریاتی از جانب طرفین منجر به هدم برگزاری دور دوم جلسات در روز جمعه شده و این جلسه به روز شنبه موکول گردیده است. خبرنگاران از بن بست کامل این دور از مذاکرات سخن می‌گویند.

اعتصاب غذای زندانیان "فراکسیون ارتش سرخ"

اعتصاب غذای زندانیان "فراکسیون سرخ" که از حدود ۸۰ روز پیش آغاز شد هفته هاست که به مرکز توجه افکار عمومی آلمان فدرال تبدیل شده است. این زندانیان سیاسی که سالهاست در زندان های انفرادی به سر می برند، خواستار خروج از زندان انفرادی و زندگی با یکدیگر در دوسلول جمعی هستند. اعتصاب غذا ابتدا توسط دو زندانی شروع شد و پس از چند روز تعداد شرکت کنندگان افزایش پیدا کرد و به بیش از ۴۰ نفر رسید. اکنون تعدادی از زندانیان بیش از ۷۵ روز است که در اعتصاب به سر می برند. "فراکسیون ارتش سرخ" (RAF) پس از تلاشی گروه بادر ماینهوف توسط برخی از بازماندگان این گروه پدید آمد. این گروه هدف خود را "سرتگونی امپریالیسم آلمان از راه جنگ مسلحانه و ترور" اعلام کرد. اواخر سالهای هفتاد و اوایل دهه هشتاد صحنه های فم انگیز و انزجار آور بمب گذاری ها و ترورهای این گروه در مهابر عمومی تأثیری منفی بر روندی سیاسی آلمان فدرال برجای گذاشت. هدف ترورها سرمایه داران بزرگ به ویژه وابستگی انحصارات نظامی و شخصیت های دولتی بوده اند که همواره رهگذران و مردم نیز قربانی این ترورها قرار گرفته اند. اقداماتی چون تخریب راه های آهن که بارها به خروج قطارها از خط و خسارات مالی سنگین انجامیده است نیز از جمله اقدامات آنها بوده است.

پلیس و دادگستری آلمان فدرال نیز با خشونت بی حدی با فراکسیون ارتش مقابله کرده است. افراد این گروه همواره به زندان های دراز مدت، حبس انفرادی و زندگی در شرایط غیر انسانی محکوم شده اند. این در حالی است که محافل راست گرا چون حزب دمکرات مسیحی و حزب سوسیال مسیحی از ترورهای "فراکسیون ارتش سرخ" بیشترین استفاده را جهت پیشبرد اهداف ارتجاعی، تصویب قانونهای ضد دمکراتیک و محدودیت آزادیها برده اند. در اواسط دهه هفتاد فاش گردید که سازمان امنیتی آلمان فدرال خود از راههای غیر مستقیم به

۱۵ سال از انقلاب پرتقال گذشت

روز ۲۵ آوریل سال ۱۹۷۴ جنبش توده ای پرتقال با حمایت وسیع نیروهای میهن پرست نظامی حکومت فاشیستی و استعمارگر این کشور را برانداخت. نیروهای دمکراتیک حکومت را در دست گرفتند. حکومت در آغاز انقلاب اقدامات قاطع دمکراتیک در هر صدهای مختلف منجمله در هر صده اقتصادی انجام رساند که نیروهای راست و مرتجع تا امروز هم قادر به باز پس گیری همه آنها نشده اند. از همان روزهای نخست پس از انقلاب، بنا بر گرایشات طبقاتی متفاوت میان نیروهای شرکت کننده در انقلاب؛ حزب سوسیالیست، حزب کمونیست و بخش های مختلف جنبش نظامیان میهن پرست درگیریهایی حادی آغاز شد.

عناصر مرتجع در پست های کلیدی ارتش، دستگاه دولتی و حتی در رهبری حزب سوسیالیست حضور داشتند. رهبر حزب سوسیالیست، ماریو سوارش، وجود آنها را "ضامن دمکراسی و روند انقلابی" می نامید. تفرقه افکنی میان نیروهای دمکراتیک توسط همین عناصر از همان روزهای نخستین آغاز شد. آنها موفق به تخریب اتحاد میان سوسیالیست ها و کمونیست ها شدند. نیروی انقلاب در آن حد بود که توانست سرمایه انحصاری در زمین داری بزرگ را براندازد. اما این انقلاب قادر به رهایی کشور از

اعتصاب غذا بود. زندانیان با این امر موافقت نکرده، برخواست خود مبنی بر زندگی در دو گروه پای فشردند. این هدم آمادگی زندانیان برای مذاکره خود دشواری در روند حل مشکل پدید آورد. هواداران "فراکسیون ارتش سرخ" تظاهرات بسیاری در شهرهای مختلف آلمان فدرال و در برلین فربری برپا کردند که با درگیری با پلیس همراه بود. بمب گذاری های متعدد در بانک ها، فروشگاه های و ساختمان های دولتی با هدف اعلام مهبستگی با زندانیان اعتصابی صورت گرفت.

از سوی دیگر مرگ احتمالی یکی یا تعدادی از زندانیان می توانست باعث گسترش اعتراض علیه دولت و گسترش کاربرد

خشونت شود.

در روزهای اخیر گرایش هایی در جهت آمادگی برای مذاکره از جانب زندانیان به وجود آمده است. دو نفر از آنها پس از ۷۳ روز به اعتصاب خود پایان دادند. دولت و احزاب راست گرا تغییری در سیاست غیر انسانی خود نداده اند. این سیاست اعتصاب غذای بایب سندن زندانی سیاسی ایرلندی و موضع جنایتکارانه دولت انگلیس را به یاد می آورد که حاضر به پذیرش خواست او مبنی بر شناخته شدن به عنوان زندانی سیاسی نشد و با مرگ او نیز خم به ابرو نیاورد.

اکنون زمینه برای مذاکره تنها در آن ایالت هایی که حزب سوسیال دمکرات حاکم است، آماده شده است. روند این مذاکرات و ادامه اعتصاب فذاهنوز روشن نیست.

بازگشت آرامش به

جمهوری شوروی گرجستان

بر اساس گزارشهای مختلف آرامش در گرجستان برقرار شده است. وضع فوق العاده نظامی که پس از دو خوردهای دو هفته پیش در تفلیس اعلام شده بود، لغو شده است. خبرگزاری تاس گزارش داد که در تفلیس و سایر نقاط گرجستان ستادهایی برای "حفظ نظم" تشکیل شده اند که میلیس و نمایندگانی از مردم در آنها حضور دارند.

ادوارد شوارنادزه، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی که در گرجستان به سر می برد، در تلویزیون شوروی تحلیلی از اوضاع ارائه داد. او گفت در تفلیس ثبات اجتماعی و سیاسی برقرار شده و آرامش به زندگی مردم بازگشته است. کارخانه ها و موسسه های آموزشی کار خود را از سر گرفته اند.

شوارنادزه گفت: "مذاکره و گفتگو با دیپلمات های خارجی برای من به هیچ وجه امری دشوار نیست ما بر این امر تسلط کامل داریم. اما به نظر می رسد ما هنوز به مذاکره با مردم خود احاطه نداریم. دیپلمات ها باید مردم خود را بشناسند. ما باید مدرسه تبادل نظر با خلق خود را از سر بگذرانیم. سرنوشت نوسازی، سرنوشت روند دمکراتیزه کردن و تحول در جامعه ما به این امر وابسته است. راه دیگری وجود ندارد. تمام آن چه در تفلیس گذشته است، پدیده های فم انگیز برای مردم است. این امر زیانی عظیم هم برای نوسازی و هم برای روند دمکراتیزه کردن کشور ما بود."

افزایش دخالت خارجی در

افغانستان

شهر جلال آباد همچنان زیر آتشبار شدید ضدانقلابیون افغانی قرار دارد. دکتر نجیب الله رئیس جمهور افغانستان در مصاحبه های با روزنامه "ایزوستیا" گفت که روزانه میان ۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ خمپاره به سوی شهر شلیک می شود. با این وجود مهاجمین قادر به تصرف شهر نشده اند. رئیس جمهور افغانستان اعلام داشت که دشمن نیروهایی نیز در اطراف کابل، هرات و قندهار متمرکز کرده است. او گفت دخالت خارجی و به ویژه شرکت نظامیان پاکستان در جنگ خطر گسترش درگیری ها و تبدیل آن به بحرانی منطقه ای را افزایش داده است.

میخائیل گارباچف در پاسخ به عبدالولی خان رهبر حزب خلق پاکستان که از اتحاد شوروی خواستار تلاش برای پایان دادن به درگیریها در افغانستان شده بود، گفت: "ما هم همچنان، تمام مساعی را به کار خواهیم برد تا خلق افغانستان امکان تعیین سرنوشت خود را در شرایط صلح و پشت میز مذاکره بیابد." گارباچف ادامه داد: "محافل معینی در پاکستان دخالت های خود را روز به روز افزایش می دهند. اما این راه به هیچ جا نخواهد انجامید. برای افغانستان راه حل نظامی وجود ندارد."

شدیدترین درگیریها در ۱۴ سال اخیر در بیروت



درگیریهای مسلحانه میان نیروهای ژنرال آتون که در بخش مسیحی نشین بیروت مستقر است با دروژی ها، نیروهای حزب سوسیالیست و اهل که در بخش غربی بیروت مستقر هستند با شدت تمام ادامه دارد. ژنرال آتون که خود را نخست وزیر لبنان نامیده است، تاکنون هرگونه میانجیگری و تلاش برای استقرار آتش بس را رد کرده است. زود خوردهای مسلحانه در بیروت تاکنون در طول ۱۴ سال جنگ داخلی در لبنان از نظر شدت بی سابقه بوده اند. هیچ خانه ای از آسیب مصون نمانده است و هزاران نفر شمر را ترک کرده اند.

در روز یکشنبه ۱۶ آوریل طرفین درگیری ها با فراخوان های متعدد موفق به برقراری آتش بس شدند. این آتش بس روز دوشنبه شکسته شد و نبردها از سر گرفته شدند. سلیم الحص نخست وزیر لبنان طی نامه ای به شیخ صباح احمد الصبا وزیر امور خارجه کویت که ریاست جامعه کشورهای عرب را برعهده دارد، خواستار دخالت در جهت پایان دادن به زود خوردهای خونین بیروت شد.

تظاهرات در پکن برای

اصلاحات دمکراتیک

جمعی از دانشجویان شهر شانگهای چین در روز چهارشنبه هفته گذشته بسوی محوطه دانشگاه شانگهای راهپیمایی کردند. آنها پوسترهایی از هو یا وانگ، دبیر کل سابق کمیته مرکزی حزب کمونیست چین که در روز شنبه گذشته فوت کرده بود، در دست داشتند. در پلاکاردهایی که توسط تظاهرکنندگان حمل می شد، آزادی بیان و مطبوعات و کنار نهادن ایده های اخلاقی خشک درخواست شده بود. هو یا وانگ به عنوان یک اصلاح طلب شهرت داشت.

در پکن نیز تظاهراتی از سوی دانشجویان جهت انجام اصلاحات دمکراتیک صورت پذیرفت. تظاهرات دانشجویان در مقابل دفتر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین انجام گرفت. روز ۲۱ آوریل ۲۰۰۰۰۰ نفر از مردم پکن در میدان "صلح آسمانی" برای انجام اصلاحات دموکراتیک دست به تظاهرات زدند.

اعتراض سرخپوستان کانادا

سرخپوستان کانادا به وسیله راهپیمایی ها، گردمایی ها و اعتصاب غذاهای متعدد به اعتراض علیه سیاست دولت مبنی بر ایجاد محدودیتهای مالی در عرضه خدمات اجتماعی پرداختند. این اعتراضات از حدود یک ماه قبل آغاز شده است. حرکات سرخپوستان در ایالات مختلف و در پایتخت بیش از همه بخاطر حذف برنامه های پرورشی برای ساکنان بومی کانادا بوده است. حذف این برنامه ها به وخامت بازهم بیشتر امکانات شغلی این مردم منجر خواهد شد. در حال حاضر ۳۷۰۰۰۰ سرخپوست در کانادا زندگی می کنند. از میان آن بخشی از سرخپوستان که قادر به کار هستند، تنها ۱۰ درصد دارای شغل می باشند.

محکومیت اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل

چهل و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد که روز پنجشنبه ۱۹ آوریل تشکیل شد، اسرائیل را به علت رفتار وحشیانه در مناطق اشغالی محکوم کرد. اسرائیل از جمله بخاطر کاربرد اسلحه علیه غیرنظامیان و تظاهرکنندگان غیر مسلح محکوم شد.

اقدامات تروریستی اشغالگران اسرائیلی هم چنان ادامه دارد. در شهر خان یونس هم زمان با اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد جوان ۱۷ ساله ای در یک تظاهرات توسط سربازان اسرائیلی کشته شد. در این شهر طی روزهای چهارشنبه ۱۸ آوریل تا جمعه ۲۰ آوریل ۴۰ نفر بر اثر اصابت گلوله زخمی شدند. تنها در نوار فزه طی همین روزها ۳۰ نفر زخمی شدند. مجمع عمومی سازمان ملل از اسرائیل خواست توافق نامه ژنو پیرامون حفاظت از افراد غیر نظامی در شرایط جنگی را رعایت کند.

این قطعنامه با ۱۲۹ رای موافق و مخالفت اسرائیل و آمریکا و رای ممتنع لیبیا تصویب شد.

نآ آرامی در اردن

در تعداد زیادی از شهرهای اردن سهشنبه هفته گذشته نآ آرامیهای بروز کرد. مردم در اعتراض به افزایش قیمت مواد سوختی و کالاهای مختلف که بین ۱۵ تا ۵۰ درصد گران شده اند و نیز افزایش عوارض آب و تلفن مبادرت به راهپیمایی کردند. معترضین به بانکها و سایر اماکن دولتی هجوم بردند. دولت اردن که به وسیله صندوق بین المللی پول جهت بازپرداخت بدهی های خود تحت فشار قرار گرفته است، خود را مکلف به اتخاذ تدابیر محدودکننده دیده است. بدهی های خارجی اردن به ۳/۶ میلیارد دلار رسیده است.

هفت روز فریاد

گزارشی از اعتصاب غذا در آتن در اعتراض به کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

مواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) در یونان در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی اعتصاب غذای هفت روزه موفقیت آمیزی را سازمان دادند. این اعتصاب غذای هفته پیش از برگزاری مراسم هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان آغاز شد و در روز برگزاری این مراسم در آتن پایان یافت. اعتصاب غذا با استقبال قابل توجهی از جانب ایرانیان مقیم آتن، شخصیت‌ها، سازمان‌ها و نیروهای انقلابی و دمکرات ایرانی و یونانی و سایر ملیت‌های مقیم آتن مواجه شد. خبر این حرکت اعتراضی در رسانه‌های یونان همراه با عکس‌هایی از آن بازتاب یافت. یکی از فرستنده‌های رادیویی یونان نیز با برگزارکنندگان اعتصاب غذا مصاحبه کرد. آنچه در زیر می‌خوانید بخشی از گزارشی است که یکی از رفقای شرکت کننده در این اعتصاب غذا برای ما فرستاده است.

"... با همکاری یکدیگر، در عرض یک ساعت چادرها، میز نشریه و کتاب، ضبطصوت و نوار، اعلامیه‌ها و بلندگوها و پارچه‌ها و پلاکاردهای شعار و... را آماده کردیم. محیط جلوی چادرها در عرض این هفت روز، هیچگاه خالی نماند. می‌آمدند و می‌رفتند، نشریه و کتاب می‌خریدند، می‌نشستند، گپ می‌زدند، کتاب می‌خواندند و... خیلی‌ها در بخش اعلامیه‌ها به ما کمک می‌کردند. و شب‌ها حضور کسانی که کیسه‌های خواب و پتویه آنجا می‌آوردند، چادرهای ما را پراز جمعیت می‌کرد.

شب‌ها معمولاً تعدادمان حدود ۲۵ نفر بود. شعر و سرود می‌خواندیم. از خاطرات انقلاب تا موج خونین اهدام‌های اخیر سخن می‌گفتیم. از هزیزان و آشنایانی که نامشان در اسامی شهدا بود، از زندگی آنها، از مبارزاتشان و از

خلق و خوی انسانی‌شان صحبت می‌کردیم. ...صبح‌ها خیلی مردم رهگذر، بیرون چادرها می‌ایستادند. پلاکاردها را می‌خواندند، عکس‌های فجایع رژیم، گورهای جمعی تکانه‌منده را نگاه می‌کردند و گاه ساعتی را به بحث درباره خمینی، ناچسب ملی اهدام‌های دسته‌جمعی می‌گذراندند، با ما ابراز همدردی و همبستگی می‌کردند و سند محکومیت رژیم دژخیم جمهوری اسلامی را امضا می‌کردند.

...یک روز زن مسنی آمد با عشق و شغف به خط فارسی، عکس‌ها و شعارها نگاه کرد و بعد گفت: ...در رگ‌های من خون شما جریان دارد... و بعد در چشم‌هایش اشک حلقه بست و دیگر نتوانست ادامه دهد.

...روز دیگر گروهی از آذری‌های آذربایجان شوروی آمدند. هر چه داشتند به رسم یادبود هدیه کردند. حتی یکی از آنها شال‌گردنش را هم باز کرد و به اعتصابیون هدیه داد. شب بعد همین گروه آمدند، سرودهای آذری خوانده و جمع‌مان را گرم‌تر کردند.

...خبر اعتصاب غذای هفت روزه ما در رسانه‌های گروهی یونان بازتاب یافت. هفت روز اعتصاب غذا، هفت روز افشاگری، هفت روز همبستگی... و هفت روز استحکام بیشتر رفقاقت‌ها.

در شب برگزاری جشن سازمان در کنار جمعیت مشتاقی که برای مراسم هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان آمده بودند، باشعری که از سعید سلطانی‌پور خوانده شد، با آشنایی بیشتر با تاریخچه سازمان و با تماشای تئاتری که رفقایمان برپا کرده بودند، خستگی یک هفته فعالیت افشاگرانه و اعتصاب غذا را از تن به‌در کردیم."

۱۵ سال از انقلاب پرقال گذشت

در منحه ۱۰

۹۴ کشته در استادایوم فوتبال



در روز شنبه ۱۵ آوریل در مسابقه فوتبال میان لیورپول و ناتینگهام فارست بیش از سه هزار نفر که موفق به ورود به استادایوم مملو از جمعیت نشده بودند، به دروازه‌های بسته هجوم آوردند. تعدادی از کسانی که در پشت نرده‌ها ایستاده بودند، به میله‌ها فشار داده و جان خود را از دست دادند. پلیس برای جلوگیری از گسترش این وضع درها را گشود. هجوم ناگهانی چند هزار نفر به داخل استادایوم باعث ایجاد جو هیستریک و متشنجی در استادایوم شد. ۹۴ نفر بر اثر خراب شدن دیوارها و ماندن در زیر دست و پا کشته شدند. دولت انگلیس کمیسیون جهت رسیدگی به این امر اختصاص داد. یکی از نمایندگان محافظه‌کار در این کمیسیون این حادثه را "افشاح عمومی" نامید. افکار عمومی انگلیس پلیس را به هلت گشودن دروازه‌ها متصر این حادثه می‌داند.

در اوایل سال‌های هفتاد نیز ۶۶ نفر در حادثه مشابهی در استادایوم گلاسکو جان خود را از دست دادند. این حادثه بزرگ‌ترین اتفاق در تاریخ فوتبال اروپا به‌شمار می‌رود.

<p>AKSARIYAT NO. 254 MONDAY, 24 Apr. 89</p>	<p>آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 18 10 5100 AACHEN W. GERMANY</p>
<p>حساب بانکی AUSTRIA . WIEN BAWAG (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701 . 650 DR. GERTRAUD ARTNER</p>	<p>با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید</p>

زنده باد صلح، زنده باد آزادی،
مورگ بر خمینی